

ارائه مدل رابطه ایدئولوژی سیاسی با اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش میانجی‌گری اعتماد اجتماعی به دولت

شیرین حقیقی فشی^۱

بهمن بنی مهد^۲

فریدون اوحدی^۳

بهرام همتی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۳

چکیده

مالیات یکی از مسائل مهم اقتصادی در هر جامعه است. هر جا که مالیات باشد، اجتناب از آن نیز به خودی خود وجود خواهد داشت. تمکین مالیاتی برای دولت‌ها در سراسر جهان به منظور تأمین بودجه، مهم است. هدف این پژوهش، مطالعه تأثیر عوامل اجتماعی بر اجتناب مالیاتی است. نمونه آماری شامل ۵۵۰ نفر از حسابداران و مدیران مالی شرکت‌ها و حساب‌برسان در بخش دولتی و خصوصی در سال ۱۳۹۶ است. داده‌های پژوهش از طریق روش دلفی و پرسش‌نامه جمع‌آوری شده و با استفاده از مدل معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار لیزرل، مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از تأثیر غیرمستقیم عوامل اجتماعی بر اجتناب مالیاتی است. ایدئولوژی سیاسی به واسطه اعتماد عمومی، به‌طور غیرمستقیم بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی معنی‌داری دارد. هرچه قدرت محافظه‌کاری اجتماعی و اقتصادی افزایش یابد، اعتماد عمومی به دولت نیز افزایش می‌یابد و این منجر به کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود. نتایج این پژوهش اطلاعات سودمندی را در خصوص عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی در اختیار استفاده‌کنندگان آن قرار داده و می‌تواند برای سازمان امور مالیاتی در برنامه‌ریزی برای تدوین راهکارهای ارزان‌تر و مؤثرتر برای کاهش اجتناب مالیات‌دهندگان مورد استفاده قرار بگیرد.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، اعتماد عمومی، ایدئولوژی سیاسی، محافظه‌کاری اجتماعی، محافظه‌کاری اقتصادی

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران، haqiqi.shirin@yahoo.com
۲. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران (نویسنده مسئول)، dr.banimahd@gmail.com
۳. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران، fohadi31@yahoo.com
۴. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران، hemmati_b@yahoo.com

۱- مقدمه

خطمشی توسعه در کشور ما در سالهای اخیر به دلیل گسترش تحریم‌های اقتصادی، کاهش شدید قیمت نفت و کسری بودجه حاصل از آن در پی تمرکززدایی از نظام وابسته به درآمدهای نفتی و گرایش به سمت نظام مبتنی بر درآمدهای مالیاتی است، لذا کاهش وابستگی هزینه‌های عمومی به منبع نفت و انجام اصلاحات لازم برای افزایش منابع درآمدی مالیاتی دولت و کاهش حجم فرار مالیاتی را می‌توان یکی از اولویتهای مهم و ضروری در نیل به اهداف نظام اقتصادی کشور تلقی نمود. در چنین شرایطی خلاء مطالعاتی از حیث سنجش و اندازه‌گیری کمی حجم فرار مالیاتی که بیشترین حجم وصولی سازمان امور مالیاتی را به خود اختصاص می‌دهد، اهمیت بسزائی پیدا می‌کند (امیدی پور، پژوهیان، ۱۳۹۶: ۲۹).

اعتماد به دولت در سراسر جهان، کاهش مداوم داشته است. نتایج نشان می‌دهد که کاهش اعتماد به دولت و کاهش عدالت درک شده از نظام مالیاتی منجر به کاهش اهداف تمکین به قوانین مالیاتی شده است. تمکین مالیاتی عبارت است از قبول و پرداخت داوطلبانه مالیات قانونی تشخیص داده شده در تشکیلات مالیاتی و یا خوداظهاری به معنی تشخیص و محاسبه مأخذ مشمول مالیات و پرداخت آن توسط مؤدی، در کنار پایبندی داوطلبانه به متن و روح قانون و مقررات مالیاتی است (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۷-۷۰). چنین اطلاعاتی ممکن است به رفتار دولت‌ها کمک کند تا اقداماتی را که می‌توانند برای بهبود تمکین مالیاتی انجام دهند، درک کنند. اجتناب از مالیات درآمدهای دولت را کاهش می‌دهد و کمیت و کیفیت عرضه کالاها و خدمات عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گریز از مالیات در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی، همواره از آنچه برآورد می‌شود کمتر باشد و تمامی کشورها تلاش خود را برای کاهش این پدیده به کار می‌گیرند و از طریق اصلاح نظام مالیاتی به چاره جویی برمی‌خیزند. وقتی شرکت از پرداخت مالیات اجتناب می‌کند به نظر نمی‌رسد که سهم منصفانه خود را از مالیات شرکت به دولت می‌پردازد.

یکی از موضوعات اصلی در بحث‌های سیاسی فعلی، مفهوم عدالت مالیاتی است. ادعاها و تقاضاهای متقابل در مورد این که آیا نظام مالیاتی جاری منصفانه است، انجام می‌شود. یکی از عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی، نگرش، برداشت و رفتار مردم در ارتباط با مالیات است که به فرهنگ مالیاتی مشهور است. در یک نظام مالیاتی عادلانه باید نشان داده شود که هیچگونه تبعیضی وجود ندارد و آنکه از امکانات بیشتری در اقتصاد استفاده می‌کند، در هزینه‌های اقتصاد هم مشارکت بیشتری دارد. مالیات یک نوع هزینه اجتماعی به شمار می‌رود که افراد جامعه به تناسب استفاده از این هزینه اجتماعی باید تقبل پرداخت آن را نمایند و شهروندان نباید بهای خدماتی را که دریافت می‌کنند به عهده مالیات‌دهندگان سالهای آینده موکول کنند. علاوه بر این، حال و هوای سیاسی فعلی در ایران نشان

می‌دهد که بسیاری از مالیات‌دهندگان نظام مالیاتی را بسیار ناعادلانه می‌بینند و اعتماد کمی به دولت دارند. با توجه به حساسیت بالاتر نسبت به تمکین و اعتماد به محیط سیاسی امروز، توجه به تأثیرات عوامل اجتماعی در تصمیمات مربوط به اجتناب با اهمیت است.

اجتناب مالیاتی به عنوان راهکار کاهش میزان مالیات، تعلق گرفته به سود حاصل از عملکرد واحدهای تجاری، زنجیره‌ای از فعالیت‌ها و برنامه‌های استراتژیک کاملاً قانونی و پیش‌رونده در اخذ معافیت مالیاتی است که منجر به وجود آمدن فضای خاکستری در ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی و مالیاتی به افراد برون سازمانی می‌گردد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰: ۱۲۷)؛ در نتیجه اجتناب از پرداخت مالیات، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت‌هاست. کشور ما با آنکه از توان مالیاتی بالقوه‌ای برخوردار است با این وجود هنوز بخش عمده‌ای از مؤدیان از پرداخت مالیات خودداری می‌ورزند و احساس می‌شود فاصله عمیقی میان توان بالقوه مالیاتی و درآمد حاصل از مالیات در نتیجه عدم پرداخت به موقع مالیات وجود دارد.

بخش بعدی به تشریح تئوری و فرضیه پرداخته است. سپس داده‌ها و طرح پژوهش، تجزیه تحلیل‌ها و در نهایت مقاله با نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نقش مالیات در کاهش نابرابریهای اقتصادی از مباحث بحث‌انگیز به‌ویژه در دهه اخیر بوده است. گسترش عدالت در کاهش نابرابری‌ها، در بین تمام جوامع به ویژه اندیشمندان دارای اهمیت زیادی می‌باشد. اعتماد به دولت در حال رسیدن به سطح پایین است (نیوپورت، ۲۰۱۲: ۱۲) شاید به این خاطر که شهروندان درک می‌کنند که سیاستمداران به شرکت‌ها و منافع ویژه توجه دارند. به این ترتیب، قوانین مالیاتی پر از نقاط ضعف است که بابت منافع ویژه‌ای است که توسط لابی‌گران وارد شده‌اند. ضرورت توجه بیشتر به نقش مالیات در بودجه دولت و انجام اقداماتی به منظور افزایش سهم درآمدی آن در کشور وجود دارد چراکه از یک سو با محدودیت ظرفیت منابع طبیعی و از سوی دیگر به دلایل گوناگون از قبیل ابداع روش‌های جدید تولید و دستیابی به جانشین‌های مناسب با نوسان تقاضا و قیمت‌ها در بازار جهانی روبه‌رو هستیم، از این رو نمی‌توان مدت طولانی به درآمد فروش منابع نفتی اتکا کرد. در ماده ۶ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر لزوم توسعه افزایش سهم درآمدهای غیر نفتی (مالیاتها و سایر درآمدها) از کل منابع بودجه تأکید شده به گونه‌ای که تا پایان برنامه چهارم اعتبارات هزینه‌ای دولت به‌طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی تأمین شود.

متفاوت بودن نرخ مالیات در کشورهای مختلف موجب شده تا کشورهای زیادی در بیش از یک کشور به فعالیت بپردازند تا از این طریق بتوانند سودشان را به کشورهایی با نرخ مالیات کمتر

منتقل نمایند. این موضوع موجب کاهش درآمد مالیاتی در کشورهای با نرخ مالیات زیاد می‌شود. با این حال یک جریان در حال ظهور از ادبیات که اجتناب از مالیات را در چارچوب نمایندگی بررسی می‌کند، نشان می‌دهد که مدیران فرصت طلب از تکنولوژیهای اجتناب از مالیات برای پیشبرد منافع مدیریتی خود به جای منافع سهامداران استفاده می‌کنند. چشم انداز نمایندگی از اجتناب از مالیات نشان می‌دهد که اجتناب از مالیات به دلیل هزینه‌های ترکیبی که شامل هزینه‌های مرتبط با فعالیتهای اجتناب از مالیات و به عنوان مثال هزینه‌های تحمل شده برای برنامه‌ریزی مالیاتی، جرائم تعیین شده توسط سازمان مالیاتی و هزینه‌های غیرمالیاتی و هزینه‌های نمایندگی است، همیشه مطلوب سهامداران نیست. فقدان جزئیات در مورد افشائاتی که در مورد مالیات صورت می‌گیرد، این امکان را بر ای سرمایه گذاران بیرونی بسیار سخت می‌کند تا بتوانند در مورد ماهیت اجتناب از مالیات و تعیین اینکه آیا اجتناب از مالیات با نوعی تبدیل رانت همراه است یا خیر، قضاوت کنند.

۳- ایدئولوژی سیاسی

این تحقیق در مورد نقش ایدئولوژی سیاسی و اعتماد اجتماعی در اجتناب مالیاتی است. ایدئولوژی مجموعه‌ای از ایده‌ها، نظرات، اعتقادات و نگرش‌ها مانند جهان‌بینی یک طبقه یا گروه اجتماعی است. وقتی مفهوم ارزش در داخل این جهان واقعی تغییر پیدا می‌کند، ایدئولوژی‌ها نیز تغییر می‌یابند. مؤسسات عالی در حال جدا شدن از ایدئولوژی‌های قدیمی سنتی هستند، دولت نیز به طور مشابه ایدئولوژی‌های قدیمی را کنار گذاشته‌است. ایدئولوژی سیاسی مجموعه اخلاقی مشخص از ایده‌آل‌ها، اصول، دکترین‌ها، اسطوره‌ها و نمادهای یک حرکت اجتماعی، یک بنیاد، طبقه یا گروه بزرگ است که توضیح می‌دهد اجتماع چگونه باید کار کند؛ و برخی طرح‌های کلی سیاسی و فرهنگی را برای یک آرایه مشخص اجتماعی توصیه می‌کند. ایدئولوژی سیاسی نوعی تفکر سیاسی است که بر مبنای برخی اصول اولیه از پیش پذیرفته شده شکل می‌گیرد، اصولی که از نوعی جزمیت و قطعیت برخوردار بوده و از هر گونه انتقادی مصون است. این گرایش فکری بیشتر به دنبال ایجاد تعهد و ایمان در بین پیروان خود بوده و به طور کلی، پیروان خود را از هرگونه تفکر و تعقل منع کرده و در نهایت، خواهان اطاعت محض آنها از نظام و دولت ایدئولوژیک است. به همین دلیل تبلیغات و مبلغین سیاسی در این رویکرد از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند. مهمترین کارکرد ایدئولوژی سیاسی، توانایی مشروعیت‌سازی آن است. ایدئولوژی سیاسی این توانایی را دارد تا نظام سیاسی حاکم را در میان توده مردم مشروع جلوه داده و آنها را با میل و رغبت کامل به اطاعت وادارد. ایدئولوژی‌های سیاسی برای مسائل و مشکلات موجود در جامعه راه‌حل‌های بسیار ساده ارائه می‌دهند. نکته جالب توجه این است که پیروان نظام‌های مبتنی بر ایدئولوژی‌های سیاسی بدون هیچگونه تأمل

و دقت خاص، این راه‌حل‌ها را پذیرفته و به آنها عمل می‌کنند. ایدئولوژی‌های سیاسی بسیار جزم‌گرا بوده و در اعمال دیدگاه‌ها و نظریات خود معمولاً به خشونت متوسل می‌شوند.

مورفی (۲۰۱۲) طی پژوهشی نشان داد حسابدارانی که تمایل به افشای نادرست اطلاعات حسابداری دارند، سطح فرصت طلبی در آنها بالاست. این دسته از حسابداران بابت افشای نادرست اطلاعات نگرانی و یا احساس پشیمانی نیز ندارند. او پیشنهاد می‌کند که این موضوع می‌تواند باعث بروز تقلب در حرفه حسابداری شود. بنابراین نهادهای نظارت‌کننده بر حرفه حسابداری باید نظارت بیشتری بر حسابداران حرفه‌ای داشته باشند. از این مفروضات چنین برمی‌آید که ایدئولوژی‌های سیاسی، تمکین مالیاتی آنها را متأثر می‌کند که این امر به وسیله قضاوت‌های اخلاقی مالیات‌دهندگان، تعدیل می‌شود و ارتباط معنادار بین اعتماد عمومی و تمکین مالیاتی، کاملاً منصفانه است.

تحقیقات فراوانی نشان می‌دهد که ایدئولوژی در ابعاد سمت چپ (لیبرال) راست (محافظه‌کارانه) متفاوت است (بابیو، ۱۹۹۶). افرادی که از نظر ایدئولوژیک، لیبرال هستند به ائتلاف دموکراتیک و افرادی که از نظر ایدئولوژیک، محافظه‌کارانه‌اند به ائتلاف جمهوری خواه تقسیم شده‌اند. لیبرال‌ها تمایل به حمایت از تغییرات مترقی و تساوی حقوق بشر دارند، در حالی که محافظه‌کاران از ثبات حمایت می‌کنند و سلسله مراتب قابل قبول را پیدا می‌کنند. در نتیجه، ایدئولوژی به گزینه‌های رفتاری دلخواه و نتایج در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی مربوط می‌شود، لیبرال‌ها پذیرش نتایج برابری بیشتر و محافظه‌کاران پذیرش نتایج نابرابر بیشتری دارند. لیبرال‌ها ممکن است انگیزه بیشتری برای فداکاری در مورد منافع شخصی خود داشته باشند تا نتیجه‌های یکسان و متقابل سودمند در تعاملات اجتماعی ایجاد کنند. علاوه بر این، از آنجا که ایدئولوژی‌های محافظه‌کار با فردگرایی و اعتماد به نفس ارتباط دارند (فلدمن، ۱۹۸۸: ۴۱۶ شلدون و نیکولز، ۲۰۰۹: ۵۸۹)، این ارزش‌ها نگرانی‌های فردی را نسبت به نگرانی‌های جمعی ترجیح می‌دهند (فلدمن و زالر، ۱۹۹۲: ۲۶۸). این استدلال با توجه به اینکه چگونه ایدئولوژی سیاسی مربوط به جهت‌گیری ارزش اجتماعی است، در تحقیقات گذشته مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیقات قبلی در ایالات متحده (شلدون و نیکولز، ۲۰۰۹: ۵۹۲) و هلندی و ایتالیایی (ون لانگه و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۷۹)، نشان می‌دهد که محافظه‌کاران اهداف خود را بیشتر هدف قرار می‌دهند، در حالی که لیبرال‌ها اهداف اجتماعی بیشتری را دنبال می‌کنند. بنابراین، انتظار می‌رود که لیبرال‌ها در مقایسه با محافظه‌کاران بیشتر در معضلات اجتماعی همکاری کنند. اندیشه محافظه‌کارانه، اعتماد نسبت به نهادهای سیاسی را افزایش می‌دهد، زیرا میزان محافظه‌کاری دولت ملی افزایش می‌یابد؛ برنامه حزب‌های سیاسی اغلب بر پایه ایدئولوژی سیاسی پایه‌ریزی می‌شود.

برخلاف دموکرات‌ها که بسیار لیبرال و آزادی‌خواه هستند، جمهوری‌خواهان نوعاً درسته محافظه‌کاران قرار می‌گیرند؛ البته این بدان معنی نیست که همه مبانی سیاسی لیبرالیسم از نظر جمهوری‌خواهان رد

می‌شود، بلکه اشاره به این موضوع دارد که تمایلات آن‌ها بیشتر به سمت لیبرالیسم کلاسیک سوق دارد. این جناح از اصول ثابت و پایدار محافظه‌کاری نظیر دولت کوچک و مالیات کمتر جانبداری می‌کند. جمهوری خواهان به دیگران اعتماد دارند، در حالی که در دموکرات‌ها این موضوع کمتر دیده می‌شود. علاوه بر این، یک رابطه منفی ضعیفی بین ایدئولوژی لیبرال و اعتماد وجود دارد (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۰۷). تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که اقلیت‌ها، افراد کم درآمد و زنان (به عنوان مثال، حوزه اصلی حزب دموکرات) تمایل کمتری به نگرش‌های اعتماد دارند (السینا و لا فرارا، ۱۹۹۹: ۲۰۷).

اگرچه اصطلاح محافظه‌کاری گاهی اوقات برای تعریف یک نوع گرایش یا نگرش نسبت به زندگی اجتماعی به کار گرفته می‌شود، ولی به عنوان یک ایدئولوژی و یک جنبش سیاسی بهتر می‌توان به تعریف، بررسی و شناخت آن پرداخت.

محافظه‌کاری یک واژه کلی برای جهان‌بینی‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی است که هدف اصلی آن نگهداری جامعه و ارزش‌های موجود است. محافظه‌کاری، ایدئولوژی سیاسی معینی است که همچون فراورده‌ای تاریخی در وضع تاریخی - اجتماعی مشخصی پدید آمده است؛ و بنابراین در شناخت ماهیتش باید آن وضع را در نظر گرفت.

ایدئولوژی سیاسی شامل ۱- محافظه‌کاری اجتماعی ۲- محافظه‌کاری مالی (اقتصادی) می‌باشد.

۴- محافظه‌کاری اجتماعی

محافظه‌کاری یک واژه کلی برای جهان‌بینی‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی است که هدف اصلی آن نگهداری جامعه و ارزش‌های موجود است. محافظه‌کاری بر قداست سنت‌ها، مالکیت، خانواده، مذهب، دولت و دیگر نهادهای جا افتاده و قدیمی تأکید می‌کند.

محافظه‌کاری اجتماعی: گروهی از ایدئولوژی‌های سیاسی متمرکز بر حفظ باورها، گرایش‌ها و فلسفه سنتی در مواجهه با ترقی‌خواهی اجتماعی است. هدف‌های محافظه‌کاری اجتماعی از سازمان به سازمان و از کشور به کشور فرق می‌کند؛ بنابراین سیاست‌ها یا مواضعی نیست که بتوان آن‌ها را در بین محافظه‌کاران اجتماعی همگانی در نظر گرفت. مثلاً در سوئد محافظه‌کاری اجتماعی به معنای حفظ باورهای سنتی در عین حمایت از رفاه و اقتصاد مختلط است. هدف محافظه‌کاری اجتماعی نگهداری جامعه و ارزش‌های موجود است. مفهوم محافظه‌کاری یعنی تمایل به حفظ چیزها همان‌گونه که هستند.

محافظه‌کاری به منزله ایدئولوژی سیاسی، اصول و مبانی فکری و فلسفی است. مایکل اوکشات فیلسوف سیاسی محافظه‌کار در سده بیستم، محافظه‌کاری را چنین تعریف می‌کند: «محافظه‌کاری یعنی ترجیح امر معلوم بر امر مجهول، امر آزموده بر نیازموده، امر موجود بر امر مطلوب و امر محدود بر امر نامحدود» بدین‌سان، پایبندی به امور مأنوس و ترس از آنچه تجربه نشده و بدبینی

به آن جوهر محافظه‌کاری است (بشریه، ۱۳۹۲: ۴۶).

ما برآنیم که بررسی کنیم که مسائل روانشناختی اجتماعی و فردی مالیات‌دهندگان می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر تصمیمات آنها داشته باشد و همچنین محافظه‌کاری اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های ایدئولوژی سیاسی می‌تواند تأثیر بسزایی در اجتناب مالیاتی داشته باشد؛ زیرا اشخاصی که محافظه‌کاری اجتماعی بالایی دارند، معمولاً با تردید و احتیاط بیشتری قضاوت و تصمیم‌گیری می‌کنند و خود را ملزم به رعایت اخلاق می‌دانند. استراتژیهای مالیاتی محافظه‌کارانه نیز برعکس صفات متهورانه نشان می‌دهند که اهداف قانونمندان بدون اینکه توجهی به تفسیرهای اثر کاهش بیشتر مالیات داشته باشند یعنی در واقع به تفسیر اثرات کاهش بدهی‌های مالیاتی توجهی ندارند.

۵- محافظه‌کاری اقتصادی

محافظه‌کاری مالی (اقتصادی): یک فلسفه اقتصاد سیاسی در قبال سیاست مالی است و از مسئولیت‌پذیری مالی، کاستن از هزینه‌کرد دولت، بدهی دولتی کمین دفاع می‌کنند. آدموند برک استدلال می‌کرد که دولت حق ندارد بدهی‌های بزرگ به بار بیاورد و آن را بر دوش مالیات‌دهنده بگذارد. سیاست مالی عبارت است از سیاست دولت درباره سطح خریدهای دولت، سطح پرداخت‌های انتقالی و ساختار مالیاتی. در اقتصاد و علوم سیاسی؛ سیاست مالی از دو ابزار درآمد دولت (مالیات) و مخارج دولت (هزینه) برای تأثیرگذاری در اقتصاد استفاده می‌کند. تغییرات در سطح و ترکیب مالیات و مخارج دولت می‌تواند متغیرهای تقاضای کل و سطح فعالیت‌های اقتصادی، الگوی تخصیص منابع، توزیع درآمد را در اقتصاد تحت تأثیر قرار دهد. سیاست مالی اشاره به استفاده از بودجه دولت برای تأثیر گذاری در فعالیت‌های اقتصادی دارد.

تجارت آزاد، مقررات‌زدایی اقتصاد، مالیات‌های کمتر، و خصوصی‌سازی ویژگی‌های تعیین‌کننده محافظه‌کاری مالی (اقتصادی) هستند. محافظه‌کاری مالی در خصوص مسایل مالی از نقطه نظر فلسفی مشابه لیبرالیسم کلاسیک و لیبرالیسم اقتصادی پیروی می‌کند. لیبرالیسم کلاسیک یک ایدئولوژی سیاسی، شاخه‌ای از لیبرالیسم است که از آزادی مدنی و دولت محدود تحت حاکمیت قانون، مالکیت خصوصی، دفاع می‌کند و بر بازار آزاد تأکید می‌کند. لیبرالیسم اقتصادی باور ایدئولوژیک به سازمان‌دهی اقتصاد به طور فردگرایانه است، به این معنا که تصمیمات اقتصادی به بیشترین اندازه ممکن توسط افراد و نه نهادها یا سازمان‌های جمعی گرفته شود. این باور دربرگیرنده گستره‌ای از سیاست‌های اقتصادی گوناگون مانند آزادی حرکت است، ولی همواره بر مبنای پشتیبانی شدید از اقتصاد بازار و مالکیت خصوصی در شیوه‌های تولید است. گرچه لیبرالیسم اقتصادی می‌تواند تا اندازه معینی حامی مقررات‌گذاری دولتی باشد، ولی گرایش دارد هنگامی که دخالت دولت در بازار آزاد جلوی تجارت آزاد و رقابت بازار را بگیرد، با آن مخالفت کند. با وجودی که لیبرالیسم اقتصادی

خواهان محدود نشدن بازار به وسیله دولت است، باور دارد که دولت نقشی مشروع در تأمین کالای عمومی دارد. خصوصی سازی وسیله‌ای برای افزایش کارایی (مالی و اجتماعی) عملیات یک موسسه اقتصادی است؛ زیرا چنین به نظر می‌رسد که مکانیسم عرضه و تقاضا و بازار در شرایط رقابتی باعث بکارگیری بیشتر عوامل تولید، افزایش کارایی عوامل و در نتیجه تولید بیشتر و متنوع‌تر کالاها و خدمات و کاهش قیمت‌ها خواهد گردید.

نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد شرکت‌های محافظه‌کار کوچک‌تر هستند، دارایی‌های نامشهود بیشتر و دارایی‌های مشهود کمتر دارند، نرخ مالیاتی مؤثر کمتری دارند و از تئوری مالی سلسله‌مراتبی پیروی می‌کنند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌های محافظه‌کار قبل از سرمایه‌گذاری اقدام به افزایش وجه نقد و اهرم مالی می‌کنند. اشخاصی که محافظه‌کاری اجتماعی بالایی دارند معمولاً با تردید و احتیاط بیشتری قضاوت و تصمیم‌گیری می‌کنند و خود را ملزم به رعایت اخلاق می‌دانند. ارزش اجتماعی به نوبه خود بر سیستم‌های قانونی هر جامعه و نیز ارزش‌های حسابداری آن جامعه اثر گذار است. همچنین ارزش‌های اجتماعی به طور غیر مستقیم بر سیستم‌های حسابداری اثر می‌گذارد. به عنوان نمونه در جامعه‌ای که سطح محافظه‌کاری فرهنگی و اجتماعی بالا باشد، انتظار بر آن است که سطح محافظه‌کاری حسابداری نیز در حرفه و نظام حسابداری آن جامعه بالا باشد. محافظه‌کاری فرهنگی و اجتماعی به عنوان یک ارزش اجتماعی بر اخلاق حرفه‌ای حساب‌رسان و حسابداران اثر گذار است. لذا انتظار می‌رود افرادی که محافظه‌کاری اجتماعی بالایی دارند، رفتارهای حرفه‌ای محافظه‌کارانه‌تری در حرفه حسابداری داشته باشند، اگر مشاوران و مدیران مالی اعتقاد داشته باشند که منافع اقتصادی بلندمدت مشتریان یا کارفرمایان آنها با کسب شهرت از طریق رفتارهای اخلاقی و مسئولانه فراهم می‌شود، کمتر احتمال دارد که درگیر طرح‌ها و برنامه‌های اجتناب مالیاتی شوند زیرا چنین طرح‌ها و برنامه‌هایی ریسک ایجاد خسارت به شهرت واحد تجاری را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، فقدان هرگونه اعتقاد نسبت به اهمیت اخلاق و مسئولیت اجتماعی در واحد تجاری می‌تواند به راحتی منجر به توجیه اجتناب مالیاتی به‌ویژه در هنگام مواجهه با فشار مشتری یا کارفرما برای کاهش مالیات شود.

ایدئولوژی محافظه‌کاری نه مثل لیبرالیسم فردگرایانه و نه همانند سوسیالیسم جمع‌گرایانه است، بلکه فرد به عنوان عضوی از اجتماع تلقی می‌شود و یک تعلق تاریخی دارد. هنجارهای اجتماعی که اعضای یک جامعه را به هم پیوند می‌دهند، نتیجه تجارب، دانش و تربیت نسل‌های پیشین است و فرد موظف به رعایت آنهاست. اگرچه رعایت آن‌ها با علایق و منافع شخصی فرد در تضاد باشد.

۶- اعتماد عمومی

اعتماد به دولت می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر رفتار مالیات‌دهندگان داشته باشد. مایر و همکاران

(۱۹۹۵) استدلال کردند که اهمیت اعتماد به طور مداوم در حال افزایش است و مدلی را توسعه دادند که حاکی از آن است که عدالت قابل اعتماد درک شده معتمد بر میزان اعتماد تأثیر می‌گذارد و با میل اعتمادکننده به اعتماد تعدیل می‌گردد؛ در نهایت، یک اعتمادکننده یک معتمد را زمانی درک می‌کند که معتمد به مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی (که اعتمادکننده موافق آن است)، پایبند است اگر مالیات‌دهندگان مشاهده کنند که دولت با مالیات پرداختی‌شان به ایجاد امکانات اجتماعی در جهت افزایش برابری قدم برمی‌دارد، انگیزه آنها برای پرداخت مالیات بیشتر می‌شود. در مقابل، اگر مؤدی مالیاتی احساس کند که سیستم مالیاتی ناعادلانه است و بار مالیاتی زیادی دارد، هزینه‌های اخلاقی برای رفتار صادقانه کاهش و فرار مالیاتی به عنوان یک نوع مقاومت در برابر سیستم مالیاتی توجیه‌پذیر می‌شود (آلم، مک کللند و شولز، ۱۹۹۹).

ایدئولوژی سیاسی ممکن است به همدستی از طریق دو مکانیزم مرتبط باشد: (۱) انگیزه برای دستیابی به نتایج مساوی و یا (۲) عدم اعتماد که دیگران تشریک مساعی می‌کنند (پرایت و کیمل، ۱۹۷۷: ۹۲). همانطور که در بالا ذکر شد، ایدئولوژی‌های لیبرال پیامدهای عدالت خواهانه را ترویج می‌دهند (جاست، فدریکا، ناپیر، ۲۰۰۹: ۳۷) و بنابراین انگیزه‌های عادلانه می‌توانند رابطه بین ایدئولوژی سیاسی و نگرانی نسبت به جهت‌گیری ارزش‌های اجتماعی را سبب شود. به همین ترتیب، رابطه بین ایدئولوژی سیاسی و تشریک مساعی ممکن است به وسیله انگیزه‌های عادلانه بدست آید. از آنجایی که ایدئولوژی محافظه‌کارانه با باورهایی که دیگران خودمختار و رقابتی هستند؛ معتقد است، محافظه‌کاران ممکن است انتظار نداشته باشند که دیگران به‌گونه‌ای رفتار کنند که منافع جمعی را ارتقا دهد (داکیت، ۲۰۰۱: ۴۱؛ داکیت و پارا، ۲۰۰۴: ۲۳۷). در یک وضع دشوار اجتماعی، انتظار از همکاری دیگران می‌تواند به‌عنوان معیار اعتماد به دیگران محسوب شود و این انتظارات به‌شدت مربوط به همکاری خود است (بالیث و ون لانگه، ۲۰۱۳: ۱۱۲). بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که محافظه‌کاران در مقایسه با لیبرال‌ها انتظار همکاری کمتر از دیگران را دارند و انتظارات (به‌عنوان معیار اعتماد به دیگران) روابط بین ایدئولوژی سیاسی و همکاری (تشریک مساعی) را میانجی‌گری می‌کند.

اعتماد و همکاری برای دموکراسی سالم، پر جنب و جوش و کارآمد ضروری است. همکاری و اعتماد، زمانی که افراد با شخص دیگری از حزب سیاسی رقیب ارتباط برقرار می‌کنند به شدت کاهش می‌یابد. لیبرال‌ها و محافظه‌کاران تمایل بیشتری به همکاری بیشتر با اعضای گروه خود در مقایسه با اعضای گروه خارج دارند. این شواهد با این موضع مطابقت دارد که طرفداری درون‌گروهی، تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر رفتار اجتماعی را از بین می‌برد. هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه انتظار داشتند که همکاری درون‌گروهی بیشتری نسبت به گروه‌های خارج از گروه انجام شود و این به این دلیل است

که آنها تمایل بیشتری به همکاری با اعضای گروه دارند (بالت و همکاران، ۲۰۱۸: ۷۹۷). با این وجود، هر دو نوع محافظه کاران تمایل به کاهش تردید و تهدید دارند و اولویت بندی سنت گرای، قاعده پیروی و پذیرش نابرابری را مطرح می کنند. ما به طور کلی میدانیم که اعتماد به حکومت معمولاً برای محافظه کاران پایین تر از لیبرال هاست (هامیلتون و بلنک، ۲۰۱۵: ۱۹).

اعتماد یک عامل ارزیابی ذهنی است که احتمال وقوع اقدامات خاص توسط طرف دیگر را انجام می دهد (گامبتا، ۱۹۸۸). این بدان معنی است که یک محیط با اعتماد اجتماعی بالا، اعتماد بین سهامداران شرکت را افزایش می دهد. بنابراین تضاد نمایندگی و فرصت طلبی مدیر در محیط های با اعتماد اجتماعی بالا، پایین است (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶: ۱۴۵؛ دسای و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۹۱؛ اسلمرود، ۲۰۰۴: ۸۷۷). گایت، هویتاش و پراویت (۲۰۱۴) و پزرن، ساس و سین (۲۰۱۵) شواهدی ارائه می دهند که اعتماد اجتماعی به طور منفی با نظریه نمایندگی و فرصت طلبی مدیر در ارتباط است. اساساً یک محیط با اعتماد اجتماعی بالا، یک نگرش اجتماعی مثبت را ایجاد می کند و رفتار اخلاقی را به منظور جلوگیری از تضاد نمایندگی در میان سهامداران شرکت ایجاد می کند (سیالدینی و گلدستین، ۲۰۰۴: ۵۹۱؛ سانستین، ۱۹۹۶: ۹۰۳).

اگر تعامل بین مقامات و مالیات دهندگان با اعتماد متقابل و رویکرد خدمات مشتری مشخص شود؛ مالیات دهندگان احساس می کنند که متعهد به قانون هستند و مالیات خود را صادقانه و خود به خود پرداخت می کنند بنابراین آنها تمکین مالیاتی داوطلبانه را نشان می دهند. اما برعکس اگر بین دولت و شهروندان تعاملی نباشد، مقامات برای تنظیم رفتار شهروندان به قدرت خود روی می آورند که در این حالت پیروی از مالیات از طریق انگیزه های خارجی مانند حساسی و جریمه ها افزایش می یابد. در هر دو مورد نتایج رفتاری مالیات دهندگان منجر به مشارکت بالای مالیاتی می شود؛ در مورد اول به صورت داوطلبانه و در مورد دوم به صورت اجباری.

در این پژوهش، مدل سطحی اعتماد هولتز (۲۰۱۳) را به عنوان یک نتیجه از اعتماد عمومی معرفی می کنیم. هولتز (۲۰۱۳) استدلال می کند که ارزیابی اعتماد، و جهت اعتماد، قبل از اینکه مبادلات ارزشی انجام شود، توسعه می یابد. هولتز (۲۰۱۳) عدالت را به دو بعد طبقه بندی می کند: ادراکات عدالت مبتنی بر شخص (واحد) و مبتنی بر رویداد. ادراکات عدالت مبتنی بر شخص (واحد)، تحت تأثیر وضعیت روحی اعتماد قرار می گیرد. در نتیجه، اعتماد بر چگونگی تفسیر رویدادها (عادلان یا ناعادلانه) تأثیر می گذارد. ادراکات عدالت مبتنی بر رویداد ممکن است مربوط به تجارب جمع آوری شده در حوادث قبلی باشد. با در نظر گرفتن این دو در کنار هم، می توان یک رابطه خوب و مثبت بین اعتماد و عدالت را در طول زمان دید. از آنجایی که اعتماد به دولت بر مبنای شخص (واحد) است، قبل از شروع تبادل اجتماعی، اعتماد شکل می گیرد. در این

مورد، هولتز (۲۰۱۳) استدلال می‌کند که اعتماد بر ادراک عدالت روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد. هولتز (۲۰۱۳) بر اساس نظریه‌ی عدالت فلور و کراپانزانو (۲۰۰۱) و ادبیات پردازش متقابل (کانمن، ۱۹۹۵: ۳۷۵) ادعا می‌کند که وقایع از نظر منصفانه بودن یا غیرمنصفانه طبقه بندی نشده‌اند. در عوض، آنها بر اساس نهادی قابل اعتماد، از جهت عادلانه یا ناعادلانه تفسیر می‌شوند. یعنی، عدالت پدیده ذهنی به تفاسیر فردی است. طبق ادبیات پردازش متقابل، افراد با استفاده از یک استاندارد ارجاعی که رویداد فعلی آن را مقایسه می‌کنند، تصمیم می‌گیرند که آیا یک تبادل عادلانه یا ناعادلانه است. مفهوم اعتماد درون چارچوب نظری با توجه به جنبه‌های ارتباطی آن مشخص می‌شود و به مفهوم «اعتماد اجتماعی» اشاره می‌کند (اکلل، ۲۰۰۳: ۲۴۵). این تعریف به عنوان یک نظریه عمومی افراد و گروه‌های اجتماعی است که مقامات مالیاتی خیرخواه هستند و به طور مطلوب برای سود مشترک عمل می‌کنند (کچلر و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۱۰).

ناک وکیفر (۱۹۹۷) در مقاله تجربی در زمینه سرمایه اجتماعی، اعتماد را به عنوان یک شاخص سرمایه اجتماعی براقصد بررسی کرده‌اند. برای این منظور، آنها ارتباط بین اعتماد فردی، اصول همکاری مدنی و عملکرد اقتصادی را بررسی کردند و در تجزیه و تحلیل تجربی خود، در درجه اول بر نقش اعتماد با این دید که مهمترین شاخص سرمایه اجتماعی است متمرکز شدند و بر اساس تجزیه و تحلیل خود برای ۲۹ کشور، نتیجه گرفتند که اعتماد دارای یک اثر مهم در مجموع فعالیت اقتصادی است.

بوتازی و ولمن (۲۰۱۱) در ارتباط با اهمیت اعتماد و ارتباط آن با اقتصاد و تجارت، اهمیت اعتماد را برای سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار دادند و این سؤال را مطرح کردند که آیا اعتماد در میان ملت‌ها بر تصمیم به سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف تأثیر می‌گذارد؟ نتایج پژوهش به این صورت است که اعتماد میان ملت‌ها تصمیمات سرمایه‌گذاران را به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر تعامل بین مقامات و مالیات‌دهندگان با اعتماد متقابل و رویکرد مشتری مشخص شود؛ مالیات‌دهندگان احساس می‌کنند که متعهد به قانون هستند و مالیات خود را صادقانه و خود به خود پرداخت می‌کنند بنابراین آنها تمکین مالیاتی داوطلبانه را نشان می‌دهند. اما برعکس اگر بین دولت و شهروندان تعاملی نباشد، مقامات برای تنظیم رفتار شهروندان به قدرت خود روی می‌آورند که در این حالت پیروی از مالیات از طریق انگیزه‌های خارجی مانند حسابرسی و جریمه‌ها افزایش می‌یابد. اعتماد به عنوان نظریه اکتشافی، بینش اثرات کاهش اعتماد را فراهم می‌کند و به توضیح حمایت افراد از عملکرد دولت کمک می‌کند. این نظریه پیشنهاد می‌کند که افراد از یک قاعده تصمیم ساده برای تصمیم‌گیری در مورد حمایت از فعالیت‌های دولتی استفاده می‌کنند (هچرینگتون، ۲۰۰۵: ۱۲۵). این استدلال می‌کند که زمانی که افراد دولت را مورد اعتماد می‌دانند، از اقدامات دولت حمایت می‌کنند

و هنگامی که اعتماد کمی وجود دارد، از اقدامات دولت حمایت نمی‌کنند (رودولف، ۲۰۰۹: ۱۵۹). برگلند و کنگ (۲۰۱۳) نشان دادند هرگاه حسابرسان درک کنند که اعتماد اجتماعی نسبت به شرکت بالا است، در آن صورت ریسک شرکت پایین خواهد بود و در نتیجه حق‌الزحمه کمتری را پیشنهاد خواهند کرد. آن‌ها اعتقاد دارند که ویژگی‌های اجتماعی بر کار حسابرسان و گزارشگری مالی تأثیرگذار هستند.

درک سنتی از رابطه اعتماد به نفس بیان می‌کند که اعتماد به آرامی بر اساس یک سری از تعاملات مطلوب (یا منصفانه) با شخص دیگری ایجاد شده است (هولمز، ۱۹۹۱: ۵۷؛ هولتز، ۲۰۱۳: ۱۸۹۳ و زاند، ۱۹۷۲: ۲۲۹). نتیجه بسیاری از چنین معاملات عادلانه منجر به اعتماد بیشتری در نقطه‌ی مقابل می‌شود. بیشتر تحقیقات اعتماد را به عنوان یک نتیجه از توافق مطلوب با نقطه‌ی مقابل تعریف می‌کنند. با این حال، تحقیقات اخیر، این قضیه که اعتماد طول می‌کشد تا توسعه یابد و نتیجه آن یک سری از تبادل‌های مطلوب است را به چالش می‌کشد.

اپریل (۲۰۰۳) اعتماد را به عنوان یک ویژگی خاص در ارتباطات تعریف می‌کند یعنی تعاملاتی که طی آن افراد ویژگی‌های مثبت را به همدیگر نسبت داده و انگیزه‌های ذاتی برای حفظ ارتباط دارند. در اینجا فرض می‌شود که تمکین مالیاتی از طریق افزایش سطوح قدرت و اعتماد قابل دستیابی است. اعتماد اجتماعی ممکن است یک راه حل برای حل مشکلات مختلف جمعی ذاتی در جوامع دموکراتیک معاصر باشد (والنیکا و همکاران، ۲۰۱۰: ۷۸).

شواهد نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی هزینه‌های اداری مدیریتی را کاهش می‌دهد و بنابراین به طور منفی با اجتناب مالیات شرکت‌ها مرتبط است. اعتماد به عنوان یک متغیر ارتباطی که مبنایی برای همکاری داوطلبانه فراهم می‌کند، تعریف می‌شود. اگر اعتماد بالا باشد، مؤدیان وظیفه‌شان را در تحقق نیازهای جامعه درک می‌کنند.

۷- اجتناب مالیاتی

در ادبیات حسابداری، اجتناب مالیاتی از دو بعد گسترده و محدود تعریف شده است. در بعد گسترده، اجتناب مالیاتی به صورت «کاهش آشکار مالیات به ازای هر ریال سود حسابداری قبل از مالیات» تعریف می‌گردد. طبق این تعریف تمام معاملاتی که بر بدهی مالیاتی آشکار شرکت اثر می‌گذارند در زمره اجتناب مالیاتی قرار می‌گیرند و بین فعالیت‌های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، فعالیت‌های اجتنابی که به منظور کاهش مالیات انجام می‌شوند و لابی‌هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می‌شوند، تفاوتی قائل نمی‌شود (جهرومی، ۱۳۹۱: ۳۶). طبق این تعریف، اگر اجتناب مالیاتی را به صورت طیفی از استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی در نظر بگیریم، در یک سر طیف اجتناب مالیاتی قانونی (نظیر سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت) و در سر دیگر طیف اجتناب مالیاتی غیرقانونی قرار می‌گیرد

(هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰: ۱۲۷)

اجتناب از پرداخت مالیات را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند (جهرومی، ۱۳۹۰؛ فروغی و محمدی، ۱۳۹۲ و خواجه‌وی و کیامهر، ۱۳۹۵) بنابراین، از آنجایی که اجتناب از پرداخت مالیات، فعالیتی به ظاهر قانونی است به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب از پرداخت مالیات در محدوده‌های معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب از پرداخت مالیات وجود ندارد (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۲). بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکتها درگیر اجتناب از پرداخت مالیات باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکتها دارای اهمیت زیادی است.

نظریه نارضایتی سیاسی ادعا می‌کند که وقتی شهروندان اعتماد به دولت را از دست می‌دهند، اعتقاد دارند که بدهیهای مالیاتی بسیار زیاد هستند. در نتیجه، عدم اعتماد به دولت ممکن است وسیله‌ای فراهم کند که به موجب آن مالیات‌دهندگان فرار را توجیه کنند. (رودلف، ۲۰۰۹: ۱۴۴)

موارد متعددی می‌توان برشمرد که طی آن قانون شرایط ویژه‌ای برای مالیات‌دهندگان در نظر گرفته و مؤدیان نیز می‌توانند از شرایط در نظر گرفته شده یا ضعف قانون و مصوبات مربوطه به نفع خود استفاده نمایند. در ایران نیز مانند سایر کشورها به موجب قانون تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی برای برخی صنایع، مناطق و افراد در نظر گرفته شده است. برای مثال به موجب ماده ۱۳۳ قانون مالیات‌های مستقیم (ق.م.م)؛ فعالیت‌های کشاورزی معاف از مالیات می‌باشند. یا به موجب ماده ۱۴۵ ق.م.م درآمد مربوط به سود سپرده‌های بانکی و سود سهام و اوراق مشارکت معاف از مالیات می‌باشند. به عنوان مثال دیگر، شرکتی که به تولید کالا اشتغال دارد و این کالا هم در داخل کشور و هم در خارج از کشور تقاضا دارد، فرصتی را برای کاهش مالیات شرکت فراهم آورده است؛ زیرا طبق ماده ۱۴۱ ق.م.م درآمد حاصل از صادرات از جمله درآمدهایی است که غیرمشمول مالیات می‌باشند.

در یک سری مطالعات با استفاده از اطلاعات بدست‌آمده از نظرسنجی ارزش‌های جهانی، تورگلر (۲۰۰۳، ۲۰۰۴) دریافت که اعتماد به دولت به طور مثبتی با تمایل افراد به پیروی از قوانین مالیاتی در کشورهای مختلف ارتباط دارد. این رابطه پس از کنترل عوامل دیگری که بر تأثیر اخلاق مالیاتی از جمله سن، درآمد، تحصیلات، جنسیت، وضعیت تاهل، و وضعیت اشتغال تأثیر می‌گذارد، مثبت و معنی‌دار بود.

اعمال هر گونه سیاستی که منجر به اجتناب از مالیات شود منجر به تضعیف اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی می‌شود. شرکت‌هایی که گزارشگری مالی متهورانه دارند اجتناب مالیاتی بیشتری نسبت به

شرکت‌هایی که دارای ثبات در گزارشگری هستند خواهند داشت. برخی محققان مانند هانلون و اسلمود (۲۰۰۹) دریافته‌اند که استراتژیهای مالیاتی متبوهانه بر روی ارزش شرکتها اثر منفی دارد در حالی که برخی دیگر مانند گالمور، میدو و تورنک (۲۰۱۴) دریافته‌اند که هیچ اثر با اهمیتی وجود ندارد. برنامه‌های تصمیم‌گیری در این خصوص باید به عنوان بخشی از ساختار مسئولیت اجتماعی شرکتها در نظر گرفته شود. دنیل جوزف (۲۰۰۹) اشاره می‌کند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی مفهومی است که از طریق آن شرکتها عوامل محیطی و اجتماعی را در عملیات شرکت‌هایشان وارد می‌کنند. محققان استدلال می‌کنند، شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی ضعیفی دارند بیشتر در مجاورت جذب استراتژی‌های مالیاتی متبوهانه‌اند (هوی، وو و ژانگ، ۲۰۱۳: ۲۰۲۵؛ لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۵: ۴۳۹). هر چند تاکنون هیچ مطالعه‌ای این امر را بررسی نکرده است که چگونه وسعت و حجم واکنش استفاده‌کنندگان به استراتژیهای مالیاتی شرکت به وسیله استنباط آنها از خصوصیات اخلاقی شرکت تحریک می‌شود.

هر چند هر دو گروه چپ‌گرایان و راست‌گرایان اجتناب مالیاتی و گزارشگری مالیاتی متبوهانه را محکوم می‌کنند اما بسیاری از چپ‌گرایان اجتناب مالیاتی را محکوم می‌کنند اما این امر برای سیاستمداران راست‌گرا عادی است و بسیاری از آنان اجتناب مالیاتی را توجیه می‌کنند. این اجتناب مبتنی بر تئوری بنیادین اخلاقی است که وجود تفاوت‌های سیستماتیک در تعلقات و وابستگی‌های اخلاقی افراد با عقاید سیاسی متفاوت را بیان می‌کند.

در حالی که اجتناب مالیاتی یک تهدید جدی برای نشان‌دار کردن و یا برجسب زدن به ارتباطات ایجاد می‌کند. از دیدگاه تصمیم‌گیری در مورد مالیات این تحقیق یک ارزیابی معقول از منافع بالقوه و ریسک‌های مرتبط با عدم اعتماد عمومی را ارائه می‌دهد.

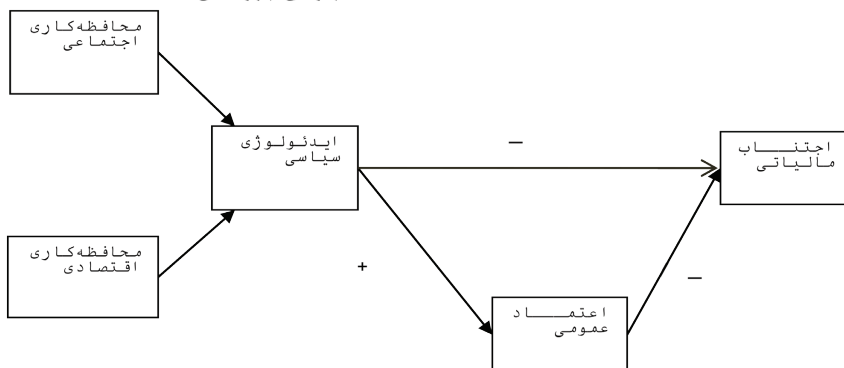
تورکلر (۲۰۰۷) استدلال کرد که رابطه مالیات‌دهندگان با دولت، از جمله اعتماد آنها به دولت، هنگام بررسی تمکین مالیاتی، اهمیت زیادی دارد. اعتماد به دولت رابطه مثبتی با تمایل افراد به رعایت قوانین مالیاتی در کشورهای مختلف دارد. در ادبیات مالیاتی سنتی، اعتماد به عنوان یک نتیجه عادلانه مدل‌سازی می‌شود. روسو، سیتکین برت و کامرر (۱۹۹۸) اعتماد را به عنوان «یک دولت روانشناختی که شامل قصد پذیرش آسیب‌پذیری براساس انتظارات مثبت از اهداف دیگر است» تعریف می‌کنند. علاوه بر این، اعتماد به دولت و منصفانه بودن نظام مالیاتی، یک تأثیر متقابل در برآورده شدن مالیات در نظر گرفته شده دارد، به طوری که انصاف درک سیستم مالیات به طور کامل تأثیر اعتماد به دولت را در تصمیمات تمکین می‌طلبد.

بوردینیون (۱۹۹۳) نتیجه‌گیری کرد که مالیات‌دهندگان زمانی از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند که اعتقاد دارند سطح کالاهای عمومی، خروجی، با توجه به بدهی مالیاتی‌شان کافی نیست، یاد

شرایطی که آنها بر این باورند برنامه مالیات غیرمنصفانه است. هرچند، درآمدهای ناشی از اجتناب مالیات دهندگان، قابل توجه است؛ دولت‌ها به طور مداوم به دنبال راه‌هایی برای بهبود تمکین مالیات‌دهندگان هستند. اگر چه افزایش مجازات و افزایش میزان ممیزی می‌تواند تمکین مالیاتی را افزایش دهد، اما برنامه‌های تمکین مالیاتی برای پیاده‌سازی هزینه‌های زیادی دارند. بدین ترتیب شناخت بسیاری از عوامل مختلف که بر تمکین مالیات تأثیر می‌گذارد، می‌تواند به دولت‌ها کمک کند تا برنامه‌های جایگزین را توسعه دهند.

اگر اعتماد به دولت بهبود یابد، تمکین مالیات نیز می‌تواند بهبود یابد. نتایج این تحقیق ممکن است به سیاستگذاران راجع به راه‌هایی برای بهبود تمکین مالیاتی تأثیرگذار باشد. آکرولوف (۱۹۸۰) نشان می‌دهد که وقتی افراد بیشتر از یک عادت اجتماعی معمولی پیروی می‌کنند، انگیزه‌های اقتصادی قوی برای پیروی از آداب و رسوم اجتماعی دارند. به طور کلی، با توجه به فضای قابل اطمینان و فشار گروهی، انگیزه برای مشارکت در اجتناب مالیاتی برای افزایش انحراف مدیریتی، کم است. یک شرکت بر اساس سهم عادلانه خود به جامعه کمک نمی‌کند. یک محیط اعتماد اجتماعی خوب، رفتار اخلاقی مدیران را تقویت می‌کند و برخی از انگیزه‌های مدیران را به طور کامل از مزایای راه‌های گریز مالیات کاهش می‌دهد. بنابر همه موارد مشاهدات مشابه دیگر، اجتناب از مالیات در یک محیط با اعتماد اجتماعی بالا، کمتر رخ می‌دهد. کارهای نظری و تجربی در مورد اجتناب مالیات شرکت و تضاد نمایندگی سهامداران و مدیران، نشان داده است که اعتماد اجتماعی می‌تواند اجتناب مالیات شرکت را کاهش دهد. تجزیه و تحلیل‌های اضافی نشان می‌دهد که تأثیر منفی اعتماد اجتماعی بر اجتناب مالیات شرکت‌ها برای شرکت‌های دارای نظارت داخلی و خارجی ضعیف، چشم‌گیرتر است. با توجه به مبانی نظری در خصوص ایدئولوژی سیاسی و اجتناب مالیاتی که پیش‌تر به آن اشاره گردید، مدل مفهومی پژوهش حاضر در نمودار (۱) نشان داده شده است.

شکل (۱) - مدل مفهومی پژوهش



فرضیه‌های پژوهش

در این تحقیق یک مدل از این متغیرها و واسطه‌ها نشان می‌دهیم که چطور ایدئولوژی‌های سیاسی افراد، واکنش آنها را نسبت به اجتناب مالیاتی تعدیل می‌کند. بنابراین یک مطالعه و تحقیق و بررسی عمیق تر راجع به روانشناسی مؤدیان نسبت به تمکین مالیاتی ضروری و واجب به نظر می‌رسد تا این امر را روشن سازد که چه عواملی می‌تواند یک واکنش منفی در مؤدیان ایجاد نماید.

فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌گردد:

ایدئولوژی سیاسی محافظه‌کارانه دارای اثر مستقیم بر روی اعتماد عمومی است.

اعتماد عمومی با اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معکوس دارد.

ایدئولوژی سیاسی محافظه‌کارانه با اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معکوس دارد.

ایدئولوژی سیاسی محافظه‌کارانه به واسطه اعتماد عمومی با اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معکوس دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با توجه به ماهیت، از نوع پژوهش‌های کاربردی به شمار می‌رود چراکه هدف آن یافتن راه حلی درباره یک مشکل مهم در جامعه، یک سازمان صنعتی یا اداری است. همچنین از نظر روش این پژوهش در زمره پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی می‌باشد. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش از راه استقرایی، و جمع‌آوری داده‌ها و نتیجه‌نهایی برای آزمون رد یا پذیرش فرضیه‌ها، از طریق پرسش‌نامه انجام می‌شود. از آنجایی که این پژوهش در یک محیط واقعی یعنی حسابداران و مدیران مالی شرکتها و حسابرسان انجام خواهد شد، جزو پژوهش‌های میدانی به شمار می‌رود.

در این پژوهش متغیر وابسته، «اجتناب مالیاتی» و متغیر مستقل «ایدئولوژی‌های سیاسی» می‌باشند و متغیر «اعتماد عمومی»، به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته می‌شوند. برای اندازه‌گیری ایدئولوژی‌های سیاسی (محافظه‌کاری اجتماعی و اقتصادی) از پرسش‌نامه اوقت (۲۰۱۳) استفاده شده است که شامل ۱۲ سؤال بوده و سؤالات شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲ مربوط به اندازه‌گیری محافظه‌کاری اجتماعی و سؤالات شماره ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ مربوط به اندازه‌گیری محافظه‌کاری اقتصادی است. برای اندازه‌گیری اعتماد عمومی از پرسشنامه استاندارد ۷ سنجه ای اعتماد به دولت در طیف لیکرت استفاده شده است. برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی نیز از پرسشنامه استاندارد ۷ سنجه‌ای تورگر و اشنایدر (۲۰۰۵) و تکلی (۲۰۱۱) در طیف لیکرت (۱= بسیار مخالف و ۷= بسیار موافق) استفاده شده است.

از آنجا که برای تحلیل داده‌ها از روش‌شناسی مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شده است و این روش تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چندمتغیری شباهت دارد، می‌توان از اصول

تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چندمتغیری برای تعیین حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده نمود. بر این اساس تعیین حجم نمونه می‌تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده، تعیین شود (هومن، ۱۳۸۸: ۷۲). بنابراین با توجه به اینکه تعداد گویه (سؤال) های پرسش‌نامه مورد استفاده در پژوهش حاضر ۲۷ مورد بود، حداقل به ۱۳۵ (۲۷*۵) نمونه نیاز بوده که بدین منظور تعداد ۵۵۰ عدد پرسش‌نامه بین حسابداران و مدیران مالی شرکتها و حسابرسان جامعه آماری به صورت تصادفی توزیع گردید که از ۵۱۱ پرسش‌نامه برگشتی ۴۸۰ مورد آن قابل استفاده بوده و داده‌های آن با استفاده از نرم‌افزار لیزرل^۱ بر اساس رویکرد حداکثر راست‌نمایی مورد تحلیل قرار گرفت.

در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری پایایی ابزار پژوهش از معیار پایایی ترکیبی^۲ استفاده شده است. همچنین برای اندازه‌گیری روایی محتوا از روش دلفی و برای اندازه‌گیری روایی همگرا از روش تحلیل عاملی تاییدی^۳ با استفاده از معیارهای بارعاملی^۴ و میانگین واریانس استخراج شده^۵ و برای اندازه‌گیری روایی تشخیصی نیز از معیار فورنل و لارکر استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از روش مدل معادلات ساختاری^۶ بهره گرفته شده است. با استفاده از مدل معادلات ساختاری، از یک طرف میزان برازش الگوی مفهومی پژوهش با داده‌ها و شاخص‌های مورد نظر و از طرف دیگر فرضیه‌های پژوهش (تأثیر متغیرها بر یکدیگر) مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. اهم شاخص‌هایی که برای سنجش برازش الگوی مفهومی پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، عبارت بود از: شاخص نیکویی برازش^۷، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب^۸، شاخص تعدیل یافته نیکویی برازش^۹، شاخص برازش هنجار شده^{۱۰}، شاخص برازش تطبیقی^{۱۱}، شاخص برازش هنجار نشده^{۱۲}، ریشه میانگین مربعات باقیمانده^{۱۳} و شاخص برازش افزایشی^{۱۴}.

1. Linear Structural Relations (LISREL)
2. Construct Reliability (CR)
3. Confirmatory Factor Analysis (CFA)
4. Factor Loading
5. Average Variance Extracted (AVE)
6. Structural Equation Model (SEM)
7. Goodness Of Fit Index (GFI)
8. Root Mean Square Error Of Approximation (RMSEA)
9. Adjusted Goodness Fit Index (AGFI)
10. Normal Fit Index (NFI)
11. Comparative Fit Index (CFI)
12. Not Normed Fit Index (NNFI)
13. Root Mean Of The Remaining Squares (RMR)
14. Incremental Fit Index (IFI)

یافته‌های پژوهش

مشخصه‌های جمعیت‌شناختی اعضای نمونه نشان می‌دهد که ۳۰۳ نفر از مشارکت‌کنندگان، مرد (۶۳ درصد) و ۱۷۷ نفر (۳۷ درصد) زن بوده‌اند. از نظر سن، ۱۱۴ نفر (۲۴٪) کمتر از ۳۰ سال، ۲۴۴ نفر (۵۰٪) بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۸۹ نفر (۱۹٪) بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۳۳ نفر (۷٪) بالاتر از ۵۰ سال سن داشتند. از نظر مرتبه شغلی، ۵۲ نفر (۱۰٪) کمک‌حسابدار، ۲۲۸ نفر (۴۸٪) حسابدار، ۶۲ نفر (۱۲٪) رئیس حسابرسی، ۷۱ نفر (۱۵٪) مدیر مالی، ۱۷ نفر (۴٪) حسابرس، ۲۵ نفر (۵٪) حسابرس ارشد، ۱۵ نفر (۳٪) سرپرست حسابرسی، ۹ نفر (۲٪) مدیر حسابرسی، ۱ نفر (۱٪) شریک حسابرسی بوده‌اند. ۷۷ نفر (۱۶٪) در بخش دولتی و ۴۰۳ نفر (۸۴٪) در بخش خصوصی مشغول به فعالیت بوده‌اند. از نظر مدرک تحصیلی، ۴۲ نفر (۹٪) کاردانی و پایین‌تر، ۲۳۸ نفر (۵۰٪) کارشناسی، ۴۸ نفر (۱۰٪) دانشجوی کارشناسی ارشد، ۱۳۰ نفر (۲۷٪) کارشناسی ارشد، ۱۵ نفر (۳٪) دانشجوی دکتری، ۷ نفر (۱٪) دکتری بوده‌اند. از نظر وضعیت تاهل، ۳۱۸ نفر (۶۶٪) متاهل و ۱۶۲ نفر (۳۴٪) مجرد بوده‌اند. از نظر سابقه کاری ۱۱۸ نفر (۲۵٪) کمتر از ۵ سال، ۱۲۴ نفر (۲۶٪) بین ۵ تا ۱۰ سال، ۱۱۷ نفر (۲۴٪) بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۶۵ نفر (۱۴٪) بین ۱۵ تا ۲۰ سال و ۵۶ نفر (۱۱٪) بالاتر از ۲۰ سال سابقه کاری داشتند. به منظور تعیین پایایی سؤالات پرسش‌نامه از روش سنجش سازگاری درونی پرسشنامه و روش پایایی ترکیبی استفاده شد و مقدار پایایی ترکیبی برای هر دسته از سؤالات، مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. طبق یک قاعده سرانگشتی این مقدار باید بیشتر از ۰/۷ باشد تا از پایایی متغیرهای پژوهش نیز اطمینان حاصل نمود. هرچند در این خصوص نیز برخی از پژوهش‌گران مقدار پایایی ترکیبی بیش تر از ۰/۶ را نیز قابل قبول می‌دانند. نتایج پایایی سؤالات در جدول ۲ ارائه گردیده‌است.

برای اطمینان از روایی محتوا از نظرات ۲۲ تن از استادان و خبرگان حوزه حسابداری و حسابرسی به روش دلفی بهره گرفته شد. برای اندازه‌گیری روایی همگرای سازه مدل مفهومی پژوهش، از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده گردید. روایی همگرا بیانگر آن است که شاخص‌های یک سازه، تا چه حد در تبیین واریانس مشترک سهم دارند. برای سنجش روایی همگرا در تحلیل عاملی تاییدی بایستی دو معیار بار عاملی و میانگین واریانس استخراج شده در نظر گرفته شود. بار عاملی باید بزرگتر از ۰/۴ باشد و گویه‌های با بار عاملی کمتر از ۰/۴ می‌بایستی حذف‌گردند (هالند، ۱۹۹۹: ۱۹۶). همچنین تایید یا رد معناداری بارهای عاملی باید با توجه به به اعداد معناداری (T-Value) صورت بگیرد. بدین ترتیب که در سطح خطای ۰/۰۵ بار عاملی که مقدار T-Value آن بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از -۱/۹۶ باشد، معنی‌دار است. میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE) نیز باید بزرگتر از ۰/۴ باشد (مگنر و همکاران، ۲۰۰۲: ۴۳).

1. Hulland
2. Magner et al.

از آنجایی که متغیر ایدئولوژی سیاسی (شامل دو بعد محافظه‌کاری اجتماعی و محافظه‌کاری اقتصادی)، دارای ابعاد متفاوتی می‌باشند؛ ابتدا تحلیل عاملی مرتبه اول را برای ابعاد هریک از این متغیرها آزمون نموده و سپس به تحلیل عاملی همه متغیرهای پژوهش به صورت همزمان خواهیم پرداخت. همان‌طور که در جدول ذیل مشاهده می‌شود در خصوص متغیر محافظه‌کاری اجتماعی، بار عاملی مربوط به سؤالات ۱، ۳ و در خصوص متغیر محافظه‌کاری اقتصادی سؤالات ۱، ۳، ۴ کمتر از ۰/۴ بوده بنابراین این سؤالات باید حذف شوند. از طرفی AVE محاسبه شده در تحلیل عاملی برای محافظه‌کاری اجتماعی، کمتر از ۰/۴۰ بوده و لذا سؤالات ۴، ۵، ۶ مربوط به متغیر مذکور که سنجه ضعیف‌تری نسبت به بقیه سؤالات برای این متغیر بودند نیز حذف گردیده تا مقدار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) آن بهبود یابد. و مجدداً تحلیل عاملی برای متغیر مذکور صورت پذیرد. بعد از آزمون مجدد تحلیل عاملی، بار عاملی مربوط به سؤالات باقی مانده هر دو بعد متغیر ایدئولوژی سیاسی بیشتر از ۰/۴ بوده که از نظر آماری نیز معنی‌دار می‌باشند چون مقدار آماره T-Value آن‌ها بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد. مقدار AVE نیز برای این ابعاد محاسبه گردید که مقدار آن برای هرمتغیر بیشتر از ۰/۴ بوده و بیانگر روایی همگرا این متغیرها می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی ابعاد ایدئولوژی سیاسی در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول (۱) - نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول ایدئولوژی های سیاسی

متغیر	گویه	بار عاملی	آماره T	خطای استاندارد	AVE
محافظه‌کاری اجتماعی	سؤال ۲	۰/۶۶	۱۲/۷۴	۰/۵۷	۰/۴۱۰
	سؤال ۷	۰/۶۲	۱۲/۲۱	۰/۶۱	
محافظه‌کاری اقتصادی	سؤال ۲	۰/۷۷	۱۶/۳۸	۰/۴۰	۰/۵۷۸
	سؤال ۵	۰/۷۵	۱۵/۹۷	۰/۴۴	

لازم به ذکر است که در روایی هم‌گرا باید مقدار میانگین واریانس استخراج شده ۱ نیز بیشتر از ۰/۴ باشد که AVE محاسبه شده در تحلیل عاملی برای متغیر اجتناب مالیاتی مربوط به سؤالات ۱، ۳، ۴، ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۷ که سنجه ضعیف‌تری نسبت به بقیه سؤالات برای این متغیرها بودند نیز حذف گردیده تا مقدار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) آن‌ها بهبود یابد. نتایج تحلیل عاملی نهایی برای سؤالات باقی مانده متغیرهای پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول (۲) - نتایج تحلیل عاملی کلیه متغیرهای پژوهش

پایایی ترکیبی (CR)	AVE	خطا	آماره T	بارعاملی	گویه	متغیر
۰/۷۷۷	۰/۶۳۶	۰/۲۶	۲۲/۸۳	۰/۸۶	محافظه کاری اجتماعی	ایدئولوژی سیاسی
		۰/۴۷	۱۶/۳۶	۰/۷۳	محافظه کاری اقتصادی	
۰/۸۸۴	۰/۴۱۵	۰/۶۲	۱۴/۳۵	۰/۶۲	سؤال ۲	اجتناب مالیاتی
		۰/۶۲	۱۴/۵۵	۰/۶۲	سؤال ۵	
		۰/۵۰	۱۷/۳۴	۰/۷۱	سؤال ۷	
		۰/۵۵	۱۶/۰۹	۰/۶۷	سؤال ۸	
		۰/۳۸	۲۰/۱۲	۰/۷۹	سؤال ۹	
		۰/۵۰	۱۷/۱۲	۰/۷۱	سؤال ۱۰	
		۰/۷۷	۱۰/۷۴	۰/۴۸	سؤال ۱۲	
		۰/۴۸	۱۷/۷۳	۰/۷۲	سؤال ۱۴	
		۰/۵۱	۱۶/۹۹	۰/۷۰	سؤال ۱۵	
		۰/۷۴	۱۱/۴۰	۰/۵۱	سؤال ۱۷	
		۰/۷۸	۱۰/۴۴	۰/۴۷	سؤال ۱۹	
۰/۸۵۴	۰/۵۵۲	۰/۷۹	۱۰/۲۵	۰/۴۶	سؤال ۱	اعتماد عمومی
		۰/۴۴	۱۸/۷۱	۰/۷۵	سؤال ۲	
		۰/۱۷	۲۴/۹۱	۰/۹۱	سؤال ۳	
		۰/۲۳	۲۳/۸۱	۰/۸۸	سؤال ۴	
		۰/۶۲	۱۴/۶۴	۰/۶۲	سؤال ۵	

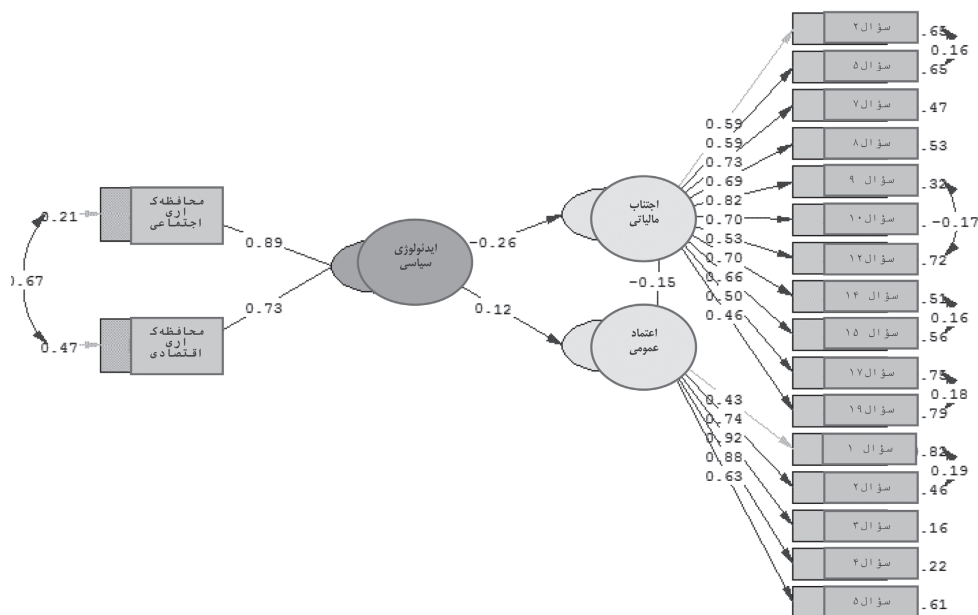
برای محاسبه روایی تشخیصی بر اساس معیار فروئل و لارکر، چنانچه مجذور میزان میانگین واریانس استخراج شده بیشتر از ارتباط (همبستگی) میان دو متغیر مکنون ۱ باشد، روایی تشخیصی وجود دارد. ماتریس همبستگی سازه‌های مدل مفهومی پژوهش در جدول ۳، نشان داده شده است. در قطر اصلی این ماتریس مجذور میزان میانگین واریانس استخراج شده و همبستگی بین سازه‌ها در پایین قطر اصلی نشان داده شده است. همان‌طور که نشان داده شده است میزان AVE برای همه سازه‌های مدل مفهومی پژوهش بیشتر از ۰/۴ بوده و همچنین مجذور میزان میانگین واریانس استخراج شده برای هر سازه از ارتباط بین سازه‌های دیگر نیز بیشتر است که بیانگر روایی تشخیصی می‌باشد.

جدول (۳) - روایی تشخیصی (فورنل و لارکر)

اعتماد عمومی	اجتناب مالیاتی	ایدئولوژی سیاسی	
		۰/۶۳۶	ایدئولوژی سیاسی
	۰/۴۱۵	۰/۰۶۳	اجتناب مالیاتی
۰/۵۲	۰/۰۲۰	۰/۰۰۳	اعتماد عمومی

در ادامه فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار خواهند گرفت. برای آزمون فرضیه پژوهش از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. در آزمون فرضیه‌ها، ضریب مسیر بیانگر میزان تأثیر و آماره T-Value مربوط به آن ضریب مسیر، بیانگر معنی‌داری آن است؛ به گونه‌ای که ضریب مسیر در صورتی معنی‌دار است که آماره T-Value مربوط به آن ضریب مسیر، بزرگتر از ۱/۹۶ و یا کوچکتر از ۱/۹۶- باشد. نتایج روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، در حالت استاندارد در شکل ۲ نشان داده شده است.

شکل (۲) - آزمون فرضیه‌های پژوهش در حالت استاندارد (منبع: یافته‌های پژوهشگر)



Chi-Square=355.56, df=128, P-value=0.00000, RMSEA=0.061

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که:

در فرضیه اول ادعا شده بود که ایدئولوژی سیاسی تأثیر مثبت معنی داری بر اعتماد عمومی دارد. نتیجه آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که ایدئولوژی سیاسی تأثیر مثبت (0/۱۲) بر اعتماد عمومی دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در ایدئولوژی سیاسی، متغیر اعتماد عمومی به میزان ۰/۱۲ واحد و هم جهت با ایدئولوژی سیاسی تغییر می‌کند. این تأثیر از نظر آماری معنادار می‌باشد چرا که آماره T-Value برابر با (۲/۴۲) می‌باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد. بنابراین فرضیه تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر اعتماد عمومی را نمی‌توان رد کرد.

در فرضیه دوم ادعا شده بود که اعتماد عمومی تأثیر منفی معنی داری بر اجتناب مالیاتی دارد. نتیجه آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که اعتماد عمومی تأثیر منفی (-۰/۱۵) بر اجتناب مالیاتی دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در اعتماد عمومی، متغیر اجتناب مالیاتی به میزان ۰/۱۵ واحد و خلاف جهت با اعتماد عمومی تغییر می‌کند. این تأثیر از نظر آماری معنادار می‌باشد چرا که آماره T-Value برابر با (-۲/۹۶) می‌باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶- کمتر می‌باشد. بنابراین فرضیه تأثیر اعتماد عمومی بر اجتناب مالیاتی را نمی‌توان رد کرد.

در فرضیه سوم ادعا شده بود که ایدئولوژی سیاسی تأثیر منفی معنی داری بر اجتناب مالیاتی دارد. نتیجه آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که ایدئولوژی سیاسی تأثیر منفی (۰/۲۶-) بر اجتناب مالیاتی دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در ایدئولوژی سیاسی، متغیر اجتناب مالیاتی به میزان ۰/۲۶ واحد و خلاف جهت با ایدئولوژی سیاسی تغییر می‌کند. این تأثیر از نظر آماری معنادار می‌باشد چرا که آماره T-Value برابر با (۵/۸۱-) می‌باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶- کمتر می‌باشد. بنابراین فرضیه تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر اجتناب مالیاتی را نمی‌توان رد کرد.

در فرضیه چهارم ادعا شده بود که ایدئولوژی سیاسی به واسطه اعتماد عمومی تأثیر معنی داری بر اجتناب مالیاتی دارد. نتیجه آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که ایدئولوژی سیاسی تأثیر مثبت (۰/۱۲) بر اعتماد عمومی؛ و اعتماد عمومی نیز تأثیر منفی (۰/۱۵-) بر اجتناب مالیاتی دارد. به عبارتی ایدئولوژی سیاسی به واسطه اعتماد عمومی تأثیر منفی (۰/۰۲-) = (۰/۱۲ * ۰/۱۵-) بر اجتناب مالیاتی دارد. بنابراین با هر واحد تغییر در ایدئولوژی سیاسی، متغیر اجتناب مالیاتی به واسطه اعتماد عمومی، به میزان ۰/۰۲ واحد و خلاف جهت با ایدئولوژی سیاسی تغییر می‌کند. این تأثیر از نظر آماری معنادار می‌باشد چرا که آماره T-Value مسیر ایدئولوژی سیاسی به اعتماد عمومی برابر با (۲/۴۲) و آماره T-Value مسیر اعتماد عمومی به اجتناب مالیاتی برابر با (۲/۹۶-) می‌باشد که هر دو آماره از قدر مطلق ۱/۹۶ بیشتر می‌باشند. بنابراین فرضیه تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر اجتناب مالیاتی به واسطه اعتماد عمومی را نمی‌توان رد کرد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش به طور خلاصه در جدول ۴ نشان داده شده است.

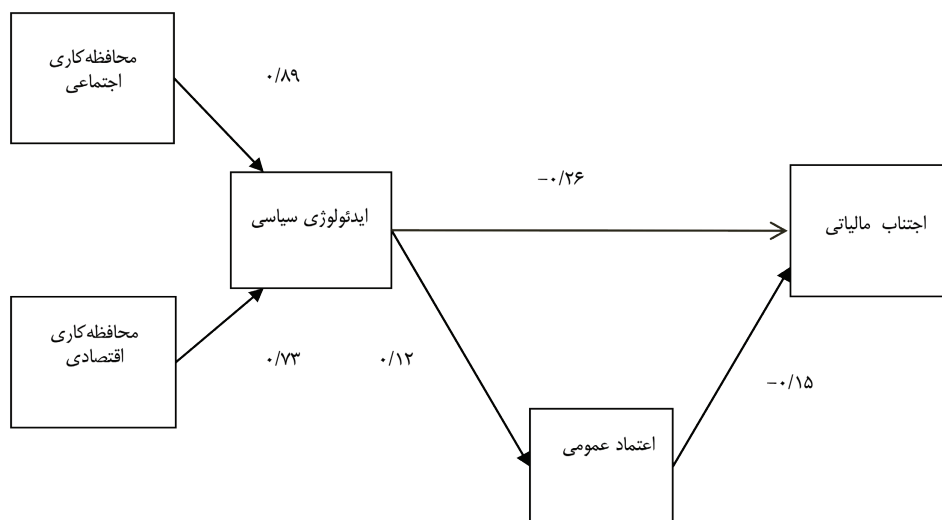
جدول (۴) - نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

شماره	فرضیه	ضریب مسیر	آماره T	نتیجه آزمون
۱	تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر اعتماد عمومی	۰/۱۲	۲/۴۲	نمی‌توان رد کرد
۲	تأثیر اعتماد عمومی بر اجتناب مالیاتی	-۰/۱۵	-۲/۹۶	نمی‌توان رد کرد
۳	تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر اجتناب مالیاتی	-۰/۲۶	-۵/۸۱	نمی‌توان رد کرد
۴	تأثیر ایدئولوژی سیاسی به واسطه اعتماد عمومی بر اجتناب مالیاتی	۰/۱۲	۲/۴۲	نمی‌توان رد کرد
		-۰/۱۵	-۲/۹۶	

نتیجه آزمون الگو در نمودار ۳ نشان داده شده است. در این نمودار میزان روابط علی بین متغیرهای مکنون نشان داده شده است. در این مقاله علاوه بر مقادیر ضرایب مسیر و بارهای عاملی مندرج بر روی

فلش‌های ترسیم شده در نمودار ۲، تعدادی از شاخص‌های مهم برازش الگوی مفهومی نیز اندازه‌گیری شده‌است. لازم به یادآوری است که مجموعه وسیعی از معیارها و شاخص‌های برازندگی وجود دارند که می‌توانند برای اندازه‌گیری کل الگو مورد استفاده قرار گیرند. یک محقق باید از معیارهای مختلفی برای قضاوت در مورد برازش مدل استفاده کند، زیرا شاخص واحدی وجود ندارد که به‌طور قطعی برای آزمون مدل، مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد (کلانتری، ۱۳۸۸: ۵۳). بر این اساس در جدول ۵، به چند شاخص مهم سنجش برازش الگوی مفهومی اشاره می‌شود که در این پژوهش مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است.

شکل (۳) - نتیجه آزمون برازش الگوی مفهومی (منبع: یافته‌های پژوهشگر)



منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقادیر تمامی شاخص‌ها نشان‌دهنده برازش مناسب و قابل قبول الگوی مفهومی پژوهش می‌باشد. بنابراین همخوانی الگوی مفهومی با داده‌های گردآوری شده مورد تایید واقع می‌شود.

جدول (۵) - ارزیابی برازش کل الگوی مفهومی پژوهش

وضعیت برازش	مقادیر توصیه شده	مقادیر محاسبه شده شاخص‌ها	شاخص‌های برازش الگوی مفهومی
_____	_____	۳۵۵/۵۶	Chi Square
_____	_____	۱۲۸	Df
قابل قبول	$\chi^2 \geq \text{Chi Square/Df}$	۲/۷۷۸	Chi Square/Df
قابل قبول	$RMSEA \geq 0.08$	۰/۰۶۱	RMSEA
قابل قبول	$GFI \leq 0.90$	۰/۹۲	GFI
قابل قبول	$NFI \leq 0.90$	۰/۹۰	NFI
قابل قبول	$CFI \leq 0.90$	۰/۹۵	CFI

منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر اجتناب مالیاتی را مورد مطالعه قرار داده و به این پرسش پاسخ داده که آیا ایدئولوژی سیاسی محافظه‌کارانه افراد و اعتماد عمومی می‌تواند بر اجتناب مالیاتی تأثیر داشته باشد یا خیر؟ یافته‌های پژوهش نشان داد که ایدئولوژی سیاسی به صورت مستقیم و غیرمستقیم اثر منفی و معنی‌داری بر اجتناب مالیاتی دارند.

نتایج این پژوهش مشابه پژوهش ناک و کیفر (۱۹۹۷) است که در مقاله تجربی در زمینه سرمایه اجتماعی، اعتماد را به عنوان یک شاخص سرمایه اجتماعی بر اقتصاد معرفی کرده‌اند و بر اساس تجزیه و تحلیل خود برای ۲۹ کشور، نتیجه گرفتند که اعتماد دارای یک اثر مهم در مجموع فعالیت اقتصادی است. همچنین مشابه تحقیق لورا بوتازی و توماس هلمن (۲۰۱۱) در ارتباط با اهمیت اعتماد و ارتباط آن با اقتصاد و تجارت است که اهمیت اعتماد را برای سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار دادند؛ نتایج پژوهش به این صورت است که اعتماد میان ملت‌ها تصمیمات سرمایه‌گذاران را به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد. و نیز رودولف (۲۰۰۹) این استدلال می‌کند که زمانی که افراد دولت را مورد اعتماد می‌دانند، از اقدامات دولت حمایت می‌کنند و هنگامی که اعتماد کمی وجود دارد، از اقدامات دولت حمایت نمی‌کنند. تورگلر (۲۰۰۳، ۲۰۰۴) نیز بر این باور است که اعتماد به دولت، رابطه‌ی مثبتی با تمایل افراد به رعایت قوانین مالیاتی در کشورهای مختلف دارد. وندیک و

وربون (۲۰۱۰) اثر میانجی اعتماد بر روی رابطه بین عدالت و تمکین داوطلبانه را بررسی نمودند و اعتماد بر تمکین داوطلبانه مؤثر است و هرچقدر اعتماد به مسئولان بیشتر باشد تمکین داوطلبانه افزایش می‌یابد، به عبارت دیگر زمانی که مؤدیان مسئولان را افرادی خیرخواه و صادق بدانند که با آنها با احترام برخورد می‌کنند و در جهت اصلاح امور عموم کار می‌کنند، تمایل به همکاری بیشتری از خود نشان می‌دهند. سایر مطالعات رابطه مثبت بین اعتماد به دولت و تمکین در کشورهای مختلف را از جمله ریچاردسون (۲۰۰۸) ۴۷ کشور، سانگ و یاربو (۱۹۷۸) (۱۹۷۸) ایالات متحده آمریکا و ووگل (۱۹۷۴) سوئد تأیید کرده است. لکن این پژوهش، متضاد با تحقیق بلیت و همکاران (۲۰۱۸) است که بیان می‌کند بین ایدئولوژی سیاسی محافظه کارانه و اعتماد همبستگی منفی وجود دارد.

شواهد نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی هزینه های اداری مدیریتی را کاهش می‌دهد و بنابراین به طور منفی با اجتناب مالیات شرکت ها مرتبط است. اعتماد به عنوان یک متغیر ارتباطی که مبنایی برای همکاری داوطلبانه فراهم می‌کند، تعریف می‌شود. اگر اعتماد بالا باشد، مؤدیان وظیفه‌شان را در تحقق نیازهای جامعه درک می‌کنند. یک فضای هم افزا با رویکرد "خدمت به مشتری و ارباب رجوع" هم اعتماد و هم قدرت مسئولان را افزایش می‌دهد؛ که افزایش اعتماد متقابلاً به جو هم افزا کمک می‌کند (کچلر و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۲۵) انتظار بر این است که یک محیط با اعتماد اجتماعی بالا با اجتناب مالیات پایین تر همراه باشد و بالعکس. مالیات دهندگان استنباط های اخلاقی را بر مبنای اعتماد متقابل به مقامات و رویکرد خدمات مشتری و مسئولیت اجتماعی استوار می‌سازند. اگر تعامل بین مقامات و مالیات دهندگان با اعتماد متقابل به مقامات و رویکرد خدمات مشتری مشخص شود؛ مالیات دهندگان احساس می‌کنند که متعهد به قانون هستند و مالیات خود را صادقانه و خود به خود پرداخت می‌کنند بنابراین آنها تمکین مالیاتی داوطلبانه را نشان می‌دهند.

این مطالعه دارای اهمیت زیادی است. در ابتدا، برخلاف مدل های پیشین اقتصادی مبتنی بر اجتناب مالیات دهندگان، این تحقیق بینش خود را در مورد تأثیر عوامل غیر اقتصادی نشان می‌دهد. تحقیقات روانشناسی نشان می‌دهد که مسائل روانشناختی اجتماعی و فردی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر تصمیمات داشته باشد به طور خاص، این مطالعه نشان می‌دهد که اعتماد عمومی به دولت و بالطبع تمکین مالیاتی، مستقیماً یا غیرمستقیماً بر تصمیمات مربوط به پرداخت مالیات و دوری از اجتناب مالیاتی تأثیر می‌گذارند. با توجه به تلاش های دولت برای افزایش مداوم تمکین و کاهش هزینه های اداری، چنین شواهدی از عوامل غیر اقتصادی می‌تواند به دولت ها کمک کند تا هزینه های کمتر و برنامه های تمکین و کاهش اجتناب مالیاتی را توسعه دهند. مأموران تشخیص مالیات باید با در نظر گرفتن سیاست های بودجه ای دولت و همچنین سایر سیاست های پولی و مالی و در نظر گرفتن مفهوم نرخ مؤثر مالیاتی، نسبت به تشخیص درآمد مشمول مالیات شرکتها اقدام کنند. در وهله بعدی

میزان مالیاتی می‌توانند با اندازه‌گیری نرخ مؤثر مالیاتی، اجتناب مالیاتی یا فرار مالیاتی شرکتها را نیز مورد بررسی قرار دهند. در این باره می‌توان این نکته را مد نظر قرار داد که تفاوت زیاد نرخ مؤثر مالیات و نرخ قانونی به منزله وجود فرار مالیاتی می‌باشد. (حساس یگانه، گل محمدی، ۱۳۹۰: ۲۳۹-۲۶۴)

این مطالعه نشان می‌دهد که ایدئولوژی‌های سیاسی افراد بر تصمیمات مربوط به اجتناب تأثیر قابل توجه و مستقیم دارد و اعتماد به دولت تأثیری مستقیم و غیرمستقیم بر رعایت قوانین و اجتناب از مالیات دارد. با توجه به حساسیت بالاتر نسبت به اعتماد به محیط سیاسی امروز، توجه به تأثیرات این عوامل در تصمیمات مربوط به اجتناب با اهمیت است. اگر اعتماد به دولت بهبود یابد، تمکین مالیات و بالطبع اجتناب از مالیات نیز می‌تواند بهبود یابد

این پژوهش به تحقیقات مالیاتی کمک می‌کند تا همزمان به مدل سازی تأثیر مسائل اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اجتناب مالیات پرداخته شود. مدل‌های قبلی توسعه‌یافته مالیات‌دهندگان تنها مسائل اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهند. از آنجایی که تئوری نشان می‌دهد که این مسائل اجتماعی با هم مرتبط هستند، تحقیق باید تأثیر مشترک این مسائل را در یک مدل واحد در نظر بگیرد. بینش حاصل از تجزیه و تحلیل در این پژوهش ممکن است به دولت‌ها کمک کند تا تغییرات اجتماعی را که به بیشترین تأثیر در ایدئولوژی مالیات‌دهندگان تأثیر می‌گذارد، مشخص کنند.

این تحقیق فرصت‌های زیادی را برای پژوهش‌های آینده نشان می‌دهد. به عنوان مثال، ادبیات تمکین مالیاتی می‌تواند از عوامل تحقیقات آینده که بر اعتماد به دولت تأثیر می‌گذارند و یا تأثیر انواع مختلف مداخلات دولتی بر اعتماد به دولت، عدالت ادراک شده سیستم مالیاتی و اهداف تمکین مالیات بعدی را مورد بررسی قرار دهد. تحقیقات آینده همچنین می‌تواند روش‌های تغییر هنجارهای اجتماعی را بررسی کند. همچنین در پژوهش‌های آینده در مورد اجتناب مالیاتی می‌توان انصاف، پیچیدگی قوانین مالیاتی، نرخ مالیات، نگرش مشاغل مالیاتی را به عنوان عوامل بالقوه هنجار اجتماعی برای کسب نتایج قوی‌تر مدنظر قرار داد.

از آنجا که برنامه‌های مدون و معین طرح جامع مالیاتی در حال اجرا می‌باشد؛ بدین لحاظ توصیه می‌شود تا همگام با اجرای مراحل مختلف طرح جامع مالیاتی و به جهت آماده‌سازی پیش‌نیازهای لازم برای اجرای عملی آن، از هم‌اکنون واحد اداری خاصی در ستاد سازمان سازمان امور مالیاتی برای مقوله تمکین مالیاتی و اجتناب مالیاتی ایجاد شود تا با هدف دستیابی به یک مدل تمکین مناسب با شرایط کشور، از طریق انجام تحقیقات گوناگون و مطالعه درباره روشهای عملیاتی اندازه‌گیری و ابزارهای ارتقاء تمکین، نسبت به تدوین استراتژی و برنامه‌کاری برای ارزیابی مستمر شاخص‌ها و عوامل مؤثر بر تمکین، تربیت نیروی انسانی متخصص در موضوع تمکین و اجتناب مالیاتی و همچنین ایجاد پایگاه‌اطلاعاتی ذیربط اقدام نماید.

اگر دولت به مردم اطمینان دهد که منابع مالیاتی گردآوری شده در راستای خدمت‌رسانی بیشتر به آنها و یا سایر بخش‌های مولد اقتصاد انجام می‌گیرد، مؤدیان مالیاتی فرار از پرداخت مالیات را رفتاری به دور از ارزشهای اخلاقی خواهند دانست. تحقق این امر در سایه دسترسی بیشتر دولت به اطلاعات در مورد ترجیحات افراد، اعتمادسازی و شفاف‌سازی دولت در مورد برنامه‌های خود از طریق رسانه‌های مختلف، بهبود وضعیت حاکمیت قانون و برابری افراد در برابر قانون و سرانجام همانطور که وینتروب (۲۰۰۱) نیز بدان اشاره می‌کند (توسعه منطق دموکراسی میسر می‌شود).

فهرست منابع

۱. اسماعیل زاده، علی، اسکافی اصل، مهدی، ناظمی، فرزاد (۱۳۹۷). بررسی اثر راهبری شرکتی و ریسک شهرت بر رابطه بین حداقل سازی هزینه مالیات و واکنش قیمت سهام، فصلنامه اقتصاد مالی، سال دوازدهم، شماره ۴۲، ۲۶۵-۲۲۹.
۲. امید پور، رضا، پژوهیان، جمشید (۱۳۹۶)، فرار مالیاتی در پایه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی در ایران (برآوردهای سالانه ۱۳۹۲-۱۳۵۲)، فصلنامه اقتصاد مالی، سال یازدهم، شماره ۳۹، ۵۶-۲۷.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۹۲). تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم. تهران: نشر نی. جلد دوم. چاپ دوازدهم.
۴. جهرمی، مهتاب (۱۳۹۱). شفافیت شرکتها و اجتناب از مالیات، رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حسابداری از دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۵. حساس یگانه، یحیی، گل محمدی شورکی، مجتبی (۱۳۹۰). رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی های شرکت، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۲، ۲۶۳-۲۳۹.
۶. حقیقت، حمید، محمدی، محمد حسن (۱۳۹۲). بررسی رابطه اجتناب مالیاتی با کیفیت افشاء و ارزش شرکت، مطالعات کمی در مدیریت، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲، ۲۰۹-۲۲۸.
۷. خواجهوی، شکرالله، کیامهر، محمد (۱۳۹۵). مدل سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از اطلاعات حسابداری، دانش حسابداری، شماره ۲۵، ۷۹-۱۰۰.
۸. عباس زاده، محمدرضا، فدائی، مرتضی، مفتونیان، محسن، بابایی کلاریجانی، مانده (۱۳۹۵). بررسی ارتباط شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی با توجه به مالکیت نهادی شرکتها (مطالعه موردی شرکتهای بورس اوراق بهادار تهران)، فصلنامه اقتصاد مالی، سال دهم، شماره ۳۵، ۷۴-۴۵.
۹. عرب مازار، علی اکبر، گل محمدی، مریم، باقری، بهروز (۱۳۹۰). سطح تمکین مالیاتی، مهمترین شاخص دستیابی به یک نظام مالیاتی مطلوب و کارآمد، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۲، ۷۰-۲۷.
۱۰. فروغی، داریوش، محمدی، شکوفه (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداشت وجه نقد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست، ۹۲-۶۶.
۱۱. کلانتری، خلیل (۱۳۸۸). مدل سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی، تهران، انتشارات فرهنگ صبا

۱۲. هومن، حیدرعلی (۱۳۸۸). مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت. چاپ سوم.

13. Alesina, Alberto and Elianna La Ferrara (2002). Who Trusts Others? *Journal of Public Economics*, 85(2): 207-34.
14. Anderson, L. R., Mellor, J. M., & Milyo, J. (2005). Do Liberals Play Nice? The Effects of Party and Political Ideology in Public Goods and Trust Games, Vol. 13, 107-131.
15. Balliet, Daniel, and Paul A. M. Van Lange. (2013). Trust, Conflict, and Cooperation: A Meta Analysis. *Psychological Bulletin* 139:1090-112.
16. Blank JM, Shaw D. (2015). Does Partisanship Shape Attitudes Toward Science and Public Policy? The Case for Ideology and Religion. Suhay E, Druckman JN, Editors. *Ann Am Acad Pol Soc Sci.*; 658-1835.
17. Cialdini, R. B., & Goldstein, N. J. (2004). Social Influence: Compliance and Conformity. *Annual Review of Psychology*, 55, 591–621.
18. Daniel Balliet¹, Joshua M. Tybur¹, Junhui Wu¹, Christian Antonellis¹, and Paul A. M. Van Lang (2018). Political Ideology, Trust, and Cooperation: In-Group Favoritism among Republicans and Democrats during a US National Election, *Journal of Conflict Resolution* Vol. 62(4) 797-818.
19. Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate Tax Avoidance and High-Powered Incentives. *Journal of Financial Economics*, 79, 145–179.
20. Duckitt, John. (2001). A Dual-Process Cognitive-Motivational Theory of Ideology and Prejudice. In *Advances in Experimental Social Psychology*, Vol. 33, Edited By Mark Zanna, 41-113.
21. Duckitt, John, and Cristina Parra. (2004). Dimensions of Group Identification and Out-Group Attitudes in Four Ethnic Groups in New Zealand. *Basic and Applied Social Psychology* 26 (4): 237-47.

22. Eckel, C. C., & Wilson, R. K. (2003). The Human Face of Game Theory. In E. Ostrom, & J. M. Walker (Eds.), *Trust and Reciprocity: Interdisciplinary Lessons from Experimental Research*, 245–274.
23. Gallemore, J., Maydew, E. L., & Thornock, J. R. (2014). The Reputational Costs of Tax Avoidance". *Contemporary Accounting Research*, 31(4), 1103–1133.
24. Garrett, J., Hoitash, R., & Prawitt, D. F. (2014). Trust and Financial Reporting Quality. *Journal of Accounting Research*, 52, 1087–1125.
25. Hanlon, M., Heitzman, Sh, (2010). A Review of Tax Research, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50, 127-178.
26. Hanlon, M., & Slemrod, J. (2009). What Does Tax Aggressiveness Signal? Evidence from Stock Price Reactions to News about Tax Shelter Involvement. *Journal of Public Economics*, 93(1), 126–141.
27. Hanlon, M., And S. Heitzman. (2010). A Review of Tax Research *Journal of Accounting and Economics*, 50(2- 3), 127–178.
28. Hetherington, M. (2005). *Why Trust Matters: Declining Political Trust and The Demise of American Liberalism*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
29. Hoi, C. K., Wu, Q., & Zhang, H. (2013). Is Corporate Social Responsibility (CSR) Associated with Tax Avoidance? Evidence from Irresponsible CSR Activities. *The Accounting Review*, 88(6), 2025–2059.
30. Holtz, B. (2013). Trust Primacy: A Model of the Reciprocal Relations between Trust and Perceived Justice. *Journal of Management*, 39(7), 1891–1923.
31. Jost, John T., Christopher M. Federico, and Jaime L. Napier. (2009). Political Ideology: Its Structure, Functions, and Elective Affinities. *Annual Review of Psychology* 60:307.

32. Kirchler, E., Hoelzl, E., & Wahl, I. (2008). Enforced versus Voluntary Tax Compliance: The Slippery Slope Framework, *Journal of Economic Psychology*, 29, 10-210-225.
33. Lanis, R., & Richardson, G. (2015). Is Corporate Social Responsibility Performance Associated With Tax Avoidance?, *Journal Of Business Ethics*, 127(2), 439-457.
34. Pevzner, M., Xie, F., & Xin, X. (2015). When Firms Talk, Do Investors Listen? The Role of Trust in Stock Market Reactions to Corporate Earnings Announcements. *Journal of Financial Economics*, 117, 190-223.
35. Richardson, G. (2008). The Relationship between Culture and Tax Evasion across Countries: Additional Evidence and Extension, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 17(2), 67-78.
36. Rudolph, T. J. (2009). Political Trust, Ideology, and Public Support for Tax Cuts". *Public Opinion Quarterly*, 73(1), 144-158.
37. Sheldon, Kennon M., and Charles P. Nichols. (2009). Comparing Democrats and Republicans on Intrinsic and Extrinsic Values. *Journal of Applied Social Psychology* 39:589-623.
38. Slemrod, J. (2004). The Economics of Corporate Tax Selfishness. *National Tax Journal*, 57, 877-899.
39. Tekeli R. (2011). The Determinants of Tax Morale: The Effects of Cultural Differences and Politics. Tokyo: Research Department, Policy Research Institute Working Paper. 3-18.
40. Torgler, B. (2003a). Tax Morale in Transition Countries. *Post-Communist Economies*, 15(3), 357-381.
41. Torgler, B. (2003b). Tax Morale, Rule-Governed Behaviour and Trust. *Constitutional Political Economy*, 14(2), 119-140.
42. Valencia, J.F, Cohen E.H, Hermosilla, D. (2010). Social Trust and Political

Protest. The Mediating Role of the Value of Power Distance, *Psicología Política*, N 40, 61-80.

43. Van Lange, Paul A. M., Michae'La Schippers, and Daniel Balliet. (2011). Who Volunteers in Psychology Experiments? An Empirical Review of Prosocial Motivation in Volunteering. *Personality and Individual Differences* 51:279-84.

Archive of SID